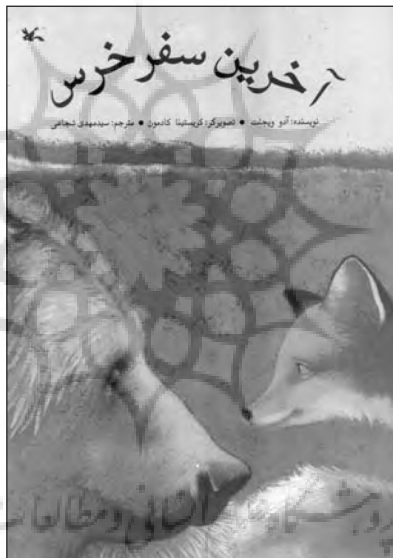


# سایه سنگین واقعیت مجال تخیل را گرفته است

O خدیجه حدادیان



- O عنوان کتاب: آخرین سفر خرس
- O نویسنده: آدو ویچلت
- O مترجم: سید مهدی شجاعی
- O تصویرگر: کریستینا کادمون
- O ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- O نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
- O شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- O تعداد صفحات: ۲۸ صفحه
- O بها: ۶۲۰ تومان

## خرس بیمار است و می میرد

این طرح داستان، آخرین سفر خرس است که در آن اتفاق دیگری نمی افتد. داستان بلافاصله و با اعلام خبر ناخوش ناخوشی خرس شروع می شود. علی رگم واژه های دویدن، فریاد زدن و عجله کردن در سطرهای اولیه، داستان ضرباهنگی بسیار کند دارد. گویی نویسنده خواسته به این طریق، برای داستانی فاقد جاذبه، جاذبه ایجاد کند. داستان در نقطه فرود خود شروع می شود؛ یعنی همان نقطه ای که زندگی قهرمان رو به پایان است.

## فقدان جاذبه

آنچه بر طرح ریزی این داستان، به عنوان عامل بیرونی تأثیرگذار بوده است، شناخت مخاطب و ویژگی های خاص او در سال های پایان دبستان

## تصویرگری کتاب

نادر ابراهیمی، در کتاب «مقدمه ای بر آرایش و پیرایش کتاب های کودکان» می گوید: «استفاده از تصویرهای داخل کتاب به عنوان روی جلد و یا بالعکس کار درستی نیست و نوعی بی اعتنایی است به اصول تصویرگری و نیز نوعی صرفه جویی است که دل کودک مخاطب را چرکین می کند. با امکانات تصویری داخل کتاب می توان روی جلد تازه ای ترتیب داد، اما یک تصویر را عیناً در داخل کتاب و روی جلد به کار بردن، باعث می شود که کودک حس کند کلاه سرش گذاشته اند.»

طرح روی جلد کتاب آخرین سفر خرس، در صفحه ۱۳ کتاب هم تکرار شده است. تصاویر کتاب در فضایی کاملاً واقعی ترسیم شده اند و از عناصر تخیل برانگیز بهره چندانی نبرده اند. البته

است. بچه های این سن، معمولاً درک و تجربه ای از مرگ ندارند. نویسنده داستانی فاقد تعلیق به ما عرضه می کند. در این داستان، عدم تعادلی می بینیم که به تعادل نمی رسد. داستان را گفت و گو پیش می برد، نه حادثه. حادثه مرگ خرس که در همان ابتدا توسط خود خرس اعلام شده و پذیرفته شده است، عاملی نیست که مخاطب را به دنبال خود بکشاند. خرس در همان ابتدای داستان به حیوانات می گوید: «دوستان عزیز! باید با شما خداحافظی کنم. من به سفری استثنایی می روم. سفری که همه در آخر زندگی شان باید بروند.»

واقعیت سایه انداخته بر داستان، چنان قطعی و سنگین است که مجالی به پرواز تخیل خواننده نمی دهد.

این را نمی‌توان از معایب تصویرگری به شمار آورد. زیرا با توجه به موضوع اثر و در نظر گرفتن شرایط سنی مخاطب برای تبیین مرگ باوری و نیاز به فضایی واقعی، امری کاملاً به جا و شایسته است. در صفحاتی که نوشته و متن دارد، ما با سفیدخوانی قابل توجهی روبه‌رو هستیم و تصویرگر با زیرکی از عناصر فرعی اثر مثل برگ، میوه کاج و... برای پر کردن صفحه بهره جسته است.

در تصاویر ابتدایی کتاب شاهد تسلط رنگ سبز هستیم، ولی همزمان با اعلام خبر بیماری خرس، رنگ‌های پاییزی، آرام آرام وارد تصاویر می‌شوند. علی‌رغم این‌که عنصر مسلط در این اثر مرگ باوری است، هیچ رنگ تیره‌ای در تصاویر مشاهده نمی‌شود.

### نگاه روان‌شناسانه

روان‌شناسان اعتقاد دارند که برداشت کودکان از مرگ در دوران کودکی، متناسب با رشد شناختی آنان رشد می‌یابد. اتل دیرگروف، در کتاب «سوک کودکان» می‌گوید:

«کودکان در زیر پنج سالگی نمی‌دانند که مرگ پایان زندگی است. آن‌ها در این سنین نمی‌توانند توضیحات انتزاعی ما را در مورد مرگ درک کنند. مثلاً کودک چهار ساله‌ای که از سوئی شنیده است مادرش به بهشت رفته و از طرفی دیگر به او گفته شده مادرش را دفن کرده‌اند دچار آشفتگی ذهنی می‌شود.»<sup>۲</sup>

اتل دیرگروف درباره واکنش‌های کودکان به سوگ در سنین پنج تا ده سالگی می‌گوید:

«آن‌ها مانند بچه‌های کوچک‌تر، هنوز تفکر عینی دارند و در هنگام کار روی سوگ آن‌ها باید مظاهر عینی مرگ (مراسم، تصاویر، سنگ قبر) مورد استفاده قرار گیرد. این دسته از کودکان از علل مرگ نیز برداشتی عینی دارند.<sup>۱</sup> از ده سالگی به بعد کودکان برداشت انتزاعی‌تری از مرگ پیدا می‌کنند و پیامدهای دراز مدت فقدان را عمیق‌تر درک می‌نمایند.»<sup>۲</sup>

این روان‌شناس در فصل «واکنش‌های بلافصل کودک به سوگ»، از ضربه و ناباوری به عنوان اولین واکنش نام می‌برد<sup>۳</sup> و در بخش «واکنش‌های معمول کودکان به سوگ»، از اضطراب<sup>۴</sup> نام می‌برد. پس از اطلاع از دیدگاه روان‌شناسان، درخواست یافت که چرا آدوووچلت در زمینه سوگ، اثری درخور خلق کرده است. آخرین سفر خرس، مبتنی بر نگاهی عینی به مرگ است،

نه انتزاعی. کودکان در مواجهه با مرگ عزیزان خود، نیاز به اطلاعات واقعی دارند تا احساس امنیت کنند. برای همین است که خرس به راحتی، بیماری و مرگ زودرس خود را اعلام می‌کند. وقتی روباه از خرس می‌پرسد که مردن یعنی چه؟ خرس می‌گوید:

«هیچ کس درست نمی‌داند. خیلی‌ها می‌گویند: مرگ ما یک خواب آرام و راحت است. عده‌ای هم می‌گویند: مرگ یعنی رفتن به آسمان و بهشت. این همان چیزی است که من قبول دارم.»

در این جملات، با دو برداشت عینی و انتزاعی روبه‌رو هستیم که یکی مخصوص کودک است و

### داستان را گفت و گو پیش می‌برد،

### نه حادثه. حادثه مرگ خرس که در همان ابتدا توسط

### خود خرس اعلام شده و پذیرفته شده است، عاملی نیست که

### مخاطب را به دنبال خود بکشاند

### در تصاویر ابتدایی کتاب شاهد تسلط رنگ سبز هستیم،

### ولی همزمان با اعلام خبر بیماری خرس، رنگ‌های پاییزی،

### آرام آرام وارد تصاویر می‌شوند. علی‌رغم این‌که

### عنصر مسلط در این اثر مرگ باوری است،

### هیچ رنگ تیره‌ای در تصاویر

### مشاهده نمی‌شود

دیگری نوجوان. نویسنده به مخاطب خود می‌گوید: علی‌رغم قرائت‌های مختلف درباره مرگ، تو در پذیرش هر یک از آنها مختار هستی. بعد از مرگ خرس، حیوان‌ها سنگ بزرگی بر لانه او می‌گذارند و چند دسته گل را در لانه می‌چینند. که دقیقاً شبیه مراسم به خاک سپاری است. چند روز بعد از مرگ خرس هم حیوان‌ها دور هم جمع می‌شوند تا به مرور خاطرات‌شان از خرس بپردازند.

تدمنتن در کتاب «بعد از خداحافظی»، درباره ضرورت تجدید خاطرات بعد از مرگ یکی از عزیزان می‌گوید:

«من تجدید خاطرات را پیشنهاد می‌کنم. چون به قلب و روح بشر ایمان دارم. معتقدم ما ذاتاً قادریم سایه‌ها را به رنگین‌کمان تبدیل کنیم. ما مخلوقاتی رویایی هستیم. مانند کودکان به پشت

می‌خواهیم و از ابرها تصویر می‌سازیم. تصور می‌کنیم کسی را در ماه به کار گذاشته‌ایم و این کار را می‌کنیم. عده‌ای از ما در رؤیا خود را التیام می‌دهیم و می‌توانیم التیام دهیم.»<sup>۵</sup>

کتاب با این گفت‌وگو پایان می‌یابد: «گورکن پیش روباه کوچولو رفت و گفت:

«هیچ کدامان خرس را فراموش نمی‌کنیم. او همیشه با ماست. او از ته دل دوست داشت که این توپ قدیمی مال تو باشد. روباه کوچولو سرش را تکان داد و توپ یادگاری خرس را محکم توی دست‌هایش گرفت.»

اتل دیرگروف در همان کتاب «سوک کودکان» می‌گوید:

«اشتغال ذهنی با خاطرات، هم‌چنین ممکن است به تسکین فقدان کمک کند. کودکان، با

وجود ناراحتی بزرگسالان، مایلند بارها به

عکس‌های فرد مرده نگاه کنند. آن‌ها

ممکن است خواستار شنیدن نامه‌ها

یا ماجراهایی درباره او باشند.

ممکن است اشیایی از فرد مرده

را با خود حمل کنند یا

چیزهایی را در مکان‌هایی

خاص پنهان سازند که

بزرگسالان اطلاعاتی از آن

ندارند. تمام این کارها، او را

به فرد مرده نزدیک‌تر

می‌کند. این گونه اشیایی

انتقالی می‌توانند به عنوان

(دردزدها) حائز اهمیت باشند و

آن اشیاء به طریقی واقعیت از دست

رفته را جان بخشیده و احساس امنیتی

خارق‌العاده به او بدهد.»<sup>۶</sup>

شاید به همین دلیل بوده که نویسنده، روباه را

مجبور کرده تا توپ یادگاری خرس را محکم توی

دست‌هایش بگیرد.

### منابع:

- ۱- ابراهیمی، نادر. مقدمه‌ای بر آرایش و پیرایش کتاب‌های کودکان، نشر آگاه، ۱۳۶۸
- ۲- سوگ کودکان، دیرگروف اتل، مترجم: دهگان پورمحمد، حاجی محمدلوحسین، نشر پوینده، بهار ۷۶، چاپ اول، ص ۱۰
- ۳- همان، ص ۱۳
- ۴- همان، ص ۱۴
- ۵- همان، ص ۱۶
- ۶- همان، ص ۱۸
- ۷- بعد از خداحافظی، متن تد، مترجم: معتفک نفیسه، ناشر: نسل نواندیش، زمستان ۷۸ - ص ۲۷
- ۸- سوگ کودکان، دیرگروف اتل، مترجم: دهگان پور محمد، حاجی محمدلوحسین، نشر پوینده، بهار ۷۶، چاپ اول، ص ۲۷